جوهره قرآن کریم و ارتباط آن با حروف مقطعه؛ اهمیت کلام ابوفاخته

من دو نکته را عرض می‌کنم و بعد وارد می‌شوم. نکته اول تکراری است که همیشه لازم می‌دانم عرض کنم. در این مباحث تا زمانی‌که از لسان خود ثقلین نفهمیم که قرآن کریم چیست، این بحث‌ها ابتر است. آب پاک بر دست همه می ریزیم. باید آن تکرار شود و نباید فراموشمان شود. مکرر عرض کردم قرآن کریم با مسأله تحدی جوش خورده است. تحدی یعنی من کلام خدا هستم و مثل آن را بیاورید. تحدی در قرآن کریم با حروف مقطعه قرآن جوش خورده است. مفصل در این‌باره صحبت کردیم. الآن تنها فهرست وار عرض می‌کنم. تحدی سر نمی‌رسد و به حد اعلای نفس الامری خودش سر نمی‌رسد الا به درک حروف مقطعه. آن چیزی که رابطه تحدی و حروف مقطعه را توضیح می‌داد، حرف سعید بن علاقه ابو فاخته بود. عرض کردم اولی که من حرف او را در المیزان دیدم گفتم این مفسر برای چه زمانی است؟ قرن دهم است یا نهم است؟ وقتی که رفتم بررسی کردم دیدم که از اصحاب خاص امیرالمؤمنین سلام الله علیه است. از رفقای کمیل و سلمی است. طبری با سند حرف او را می‌آورد.

می‌گوید قرآن ریختش این است که «منها یستخرج القرآن[1]»؛ کل قرآن را می‌توانید از حروف مقطعه در بیاورید. حالا یک کتاب پیدا کنید که انبیاء سابق گفته‌اند ختم نبوت به کسی می‌شود که کتابی با‌لحروف المقطعه می‌آورد. هم شیعه و هم سنی این را نقل کرده‌اند که در کتب سابق با‌لحروف مقطعه بود. پس قوام قرآن به تحدی است. به حروف مقطعه است. حروف مقطعه بهگونه‌ای است که یستخرج منه القرآن. این جور رابطه برقرار است. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ[2]»؛ قبلاً صحبت از این‌ها شده است هر کدام را که خواستید مراجعه کنید و فایل های آن‌ها را ببینید. هر چه هم رسیده در فدکیه گذاشته‌ام. منابعش را گذاشته‌ام. «سبعا من المثانی»، مثانی به چه معنا است؟ ببینید که چقدر حرف در مورد آن زده شده است؟! خود ابو فاخته که گفت «المحکمات فواتح السور» در «السبع المثانی» می‌گوید «المثانی ام الکتاب». نمی‌گوید حروف مقطعه هستند. خیلی جالب است. هر دو جا را نگاه کنید. حرف ابو فاخته به‌عنوان یکی از وجوه حروف مقطعه، متاسفانه در هیچ کتاب تفسیری نیامده است. در کتاب‌ها یازده وجه و در تفسیر فخر رازی ۲۱ وجه آورده‌اند اما به‌عنوان یک وجه هم این را در ضمن بحث از حروف مقطعه نگفته‌اند. خیلی عجیب است. من مکرر این را عرض کرده‌ام. این باید سان داده شود و ذکر شود که یکی از وجوه معانی حروف مقطعه این حرف ابوفاخته است. خب چرا نگفته‌اند؟ نمی‌دانم چرا نگفته‌اند. یک وجهی که فعلاً ظاهر است این است: طبری حرف ابوفاخته را ذیل «الم» نیاورده است. بلکه در ذیل آیات محکم و متشابه آورده است. چون آن جا آمده وقتی سرجایش بحث می‌کردند در دسته‌ها نبوده. و الا اگر طبری که تفسیر متقدم است، سر جایش آورده بود مفسرین هم به‌عنوان وجهی از وجوه آن را می‌گفتند.

وقتی طبری در ذیل «مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ[3]» می‌گوید که ابو فاخته گفته «ام الکتاب فواتح السور منها یستخرج القرآن؛ الم ذلک الکتاب، منها یستخرج سورة البقرة، الم الله لا اله الا هو؛ منها یستخرج آل عمران». ما مفصل از آن بحث کردیم. این در کتب نیامده ولی مهم است. حالا ببینید ابوفاخته می‌گوید چه چیزی فواتح السور است؟ می‌گوید ام الکتاب فواتح السور است. همین ابوفاخته در ذیل آیه شریفه «وَ لَقَدْ آتَيْناكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِي[4]» می‌گوید «السبع المثانی ام الکتاب». چون یکی از اسماء معروف سوره مبارکه حمد «ام الکتاب» است، کسانی که به اینجا رسیدند می‌گویند ابوفاخته می‌گوید سبع المثانی سوره مبارکه حمد است. ما هم مشکلی نداریم اما روی مبنای خودش او که این را نمی‌گوید. آن جا گفته السبع المثانی ام الکتاب. یعنی السبع المثانی هم در این وجه نقل او، حروف مقطعه هستند. ببینید اینها چطور به هم مربوط است؟! حال اینکه «فَأَجْرَى جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ[5]» بماند.

لذا تا این مسأله حل نشود و این ارتباطات جا نگیرد تعدد قرائات و جاگرفتنش ثبوتا حل نمی‌شود. وقتی آنها حل می‌شود این بحثها جلو می‌رود. پس ما باید از بیانات خود ثقلین در فهم جوهره قرآن کریم که چطور کتابی است، استفاده کنیم و اینکه چرا خداوند می‌فرماید اگر همه جمع شوید نمی‌توانید مثل آن را بیاورید. خیلی فصیح و بلیغ است؟! خب ببینید خیلی بحثها شده. نه، چون قرآن کریم تدوینی تمام تکوینی است. و چون تکوینی تنها یک خالق دارد و یک عالم به تمام تکوینی دارد، کتابی هم که می‌تواند تدوینی آن تکوینی باشد تنها یک کتاب است. تحدی کننده و تعیینی دقیق ضوابطش هم با کسی است که سر جایش وقتی میدان باز شد، خداوند علمش را به او داده، تحدی می‌کند. حال جای خودش مفصل صحبت کردیم.

---

[1]تفسير الطبري جامع البيان ت شاكر ج۶ ص۱۸۳؛ حدثنا عمران بن موسى قال، حدثنا عبد الوارث بن سعيد قال، حدثنا إسحاق بن سويد، عن أبي فاختة أنه قال في هذه الآية:"منه آيات محكمات هن أم الكتاب"، قال:"أم الكتاب" فواتح السور، منها يستخرج القرآن - (الم ذَلِكَ الْكِتَابُ) ، منها استخرجت"البقرة"، و (الم اللَّهُ لا إِلَهَ إِلا هُوَ) منها استخرجت"آل عمران

[2]الحجر : ۸۷

[3]آل عمران ۷

[4]الحجر ۸۷

[5]إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْوَتْرَ وَ فَرَضَ الصَّفَ الْوَتْرَ أَجْرَى جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ وَ قَالَ: جَهَنَّمُ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ وَ قَالَ: سَبْعُ فِجَاجٍ وَ قَالَ: حَبَّةٌ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ وَ قَالَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فَأَبْلِغْ حَدِيثِي أَصْحَابَكَ لَعَلَّ اللَّهَ يَجْعَلُ فِيهِمْ نَجِيّاً إِذَا هُوَ سَمِعَ حَدِيثَنَا نَفَرَ قَلْبُهُ إِلَى مَوَدَّتِنَا وَ يَعْلَمُ فَضْلَ عِلْمِنَا

بازبینی #3
ایجاد شده 16 مارس 2024 17:03:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 17:22:40 توسط ... .